

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهر روز پیمان – هوادار "ساما"
۰۵ سپتمبر ۲۰۲۲

فرهنگ و رسانه امپریالیستی و فرهنگ انقلابی و رهائیبخش (۲)

ب: فرهنگ انقلابی و رهائیبخش

از آن جایی که انسان های دربند جهت نیل به آزادی واقعی درنگ و ایستائی را در قاموس خویش نمی پذیرند و لحظه ای هم از مبارزه در عرصه های مختلف علیه استعمار و ممد آن ارتجاع، غافل نبوده و علیه این سیستم برده ساز از تلاش و مبارزه نخواهند ایستاد. چنانی که در پیشینه تاریخی گذشت، مبارزه ستمکشان و ستمگران ایستائی نداشته و با جزر و مد و اشکال مختلف این نبرد ادامه خواهد داشت.

بناءً تا زمانی که ما سیستم استعماری امپریالیسم را با اهداف و ابزار و روش های آن که استعمار زدگان تحت ستم و استعمار را به بند کشیده است، نشناسیم و نسبت به آن آگاهی لازم نداشته باشیم و در عین حال به توانائی تاریخی و نیروی لایزال توده های میلیونی و اهداف، ابزار و روش های آن واقف نبوده و عملاً زحمتکشان تحت ستم متحدانه و آگاهانه در میانه میدان ابراز وجود نکنند، مشکل است از بند استعمار امپریالیسم و سلطه طبقاتی متحد و مخلوق بومی آن – ارتجاع حاکم – رهائی یابیم.

فرهنگ غنی انقلابی و رهائیبخش به طور عموم، با خصلت بالنده و مترقی و هماهنگی آن با نیاز های تکاملی و به عنوان ابزار معنوی شناخت جهان، خود و دشمن، دارای آن ظرفیت معنوی است که توده های تحت ستم را قادر می سازد راست ایستاده و علیه سلطه طبقاتی و کلیت سیستم امپریالیستی بسیج شده و سلاح نیرومندی خواهد بود در دستان ستمکشان آگاه و مصمم علیه امپریالیسم و استعمار. لذا بر شیفتگان و دوستداران این فرهنگ انقلابی است تا پیوسته بر غنامندی و نیروی خلاق این فرهنگ انسانی کوشیده، آن را در میان توده های تحت ستم برده و سنگر مبارزه فرهنگی خلق علیه استعمار – ارتجاع را با آن خروشنده تر ساخت.

به همین دلیل است که در طول تاریخ ارباب ستم و در زمانه ما امپریالیسم و ارتجاع از موضع مشترک فرهنگ استعماری – ارتجاعی بشارت دهندگان و ترویج کنندگان فرهنگ انقلابی و رهائیبخش را که پایان سیطره همه جانبه و به خصوص سیطره فرهنگی فرتوت و درجا زده ارتجاعی – استعماری را نوید می دهند و در نقش طلایه داران آزادی با درفش آزادی بر دوش در پیشاپیش صف ستمکشان ظاهر می شوند، به اشکال مختلف هدف حملات شان قرار می دهند. نیرو های استعماری – ارتجاعی این را می دانند که پرکردن یک چنین طلایه داران و سنگر داران جبهه فرهنگی – سیاسی علیه امپریالیسم و ارتجاع، کاریست دشوار و طولانی.

اما به رغم کلیه موانع استعماری - ارتجاعی جلو رشد فرهنگ انقلابی و به رغم شکست و ریخت پی هم جبهه فرهنگی سیاسی انقلابی و رهائیبخش، این فرهنگ بنا بر دو ویژگی، یکی جنبه بالنده آن و دیگری انطباق آن با نیاز های تکامل تاریخی - اجتماعی، خصلت نامیرا دارد.

نباید فراموش کرد که در دنیای بزرگ تقسیم شده به غنی و فقیر، به ستمگر و ستمکش و در جامعه منقسم به طبقات اجتماعی متخاصم بر پایه مالکیت خصوصی و استثمار؛ اهداف، سیاست ها و عملکرد استعماری - ارتجاعی از یک سیستم ایدئولوژیک مدد می گیرد و این سیستم فکری - فرهنگی در عین این که آن اهداف، سیاست ها و عملکرد ها را توجیه می کند، در خدمت بازتولید و استمرار شرایط لازم آن سیادت طبقاتی - استعماری است.

در جوامع طبقاتی هر طبقه اجتماعی سیستم فکری - فرهنگی خاص خود را دارد که در خدمت حفظ موقعیت و منافع است. لذا، در جامعه منقسم به طبقات، اندیشه های اجتماعی نمی تواند خصلت طبقاتی نداشته باشد. این اندیشه برخاسته از پایه مادی - اقتصادی خود بوده و در خدمت آن قرار دارد.

فرهنگ (فرهنگ معنوی) در یک جامعه بازتابی از اقتصاد و سیاست آن است. جامعه امروزی ما جامعه ایست نیمه فئودالی و نیمه مستعمراتی که در آن عناصر عمده فرهنگ فئودالی مثل مردسالاری، خرافات مذهبی و زباله های قرون وسطایی در آمیزش با فرهنگ مهاجم استعماری، فرهنگ پوسیده و اسارتبار کنونی جامعه ما را می سازد. در حال حاضر، طالبان در موقعیت ارتجاع حاکم مذهبی مدافع و مروج این زباله ها و خرافات مذهبی بوده و قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی بیرونی از این فرهنگ میرنده و متعفن نیمه فئودالی - نیمه مستعمراتی سود می برند و این فرهنگ به غایت ارتجاعی در جبهه فرهنگی در مقابل فرهنگ انقلابی - رهائیبخش قرار دارد.

موضع فرهنگ انقلابی و بالنده در برابر فرهنگ حاکم در کشور ما سراپا انتقادی است. فرهنگ پدیده مقدس، غیرتاریخی، مجرد و فراطبقاتی نه، بلکه پدیده ایست مشخص، تاریخی و طبقاتی. آنچه از این فرهنگ به درد امروز و فردا نمی خورد و به گذشته تعلق دارد یا تداوم حال را تقدیس می کند و با نیاز های تکاملی ناسازگار است و خروج از گذشته و حال را بر نمی تابد؛ باید به دور ریخته شود. زنان و مردان تحت ستم جامعه ما همراه با منادیان فرهنگ مترقی و توده های محکوم و تحمیق شده با سموم فکری - مذهبی این فرهنگ ارتجاعی مدافع مالکیت خصوصی، ستم و استثمار طبقاتی و نابرابری آشکار و دمساز با استعمار و امپریالیسم، حق دارند زیبایی ها و زشتی های فرهنگ خود را با منطق علمی و انقلابی، نه به طور مجرد، بلکه بر پایه و در انطباق با نیازهای وحدت رزمنده ضد ارتجاعی و ضد استعماری خویش و لازمه های تکامل جامعه ارزیابی کرده و با حفظ و ارتقای بخش های سالم و پیشرونده آن، زنگار ارتجاعی - استعماری را از صورت آن بزدایند.